



۱۲

شکایت‌های آرتیستی



رمان روزهای کرونای پاموک

۱۱

فرهنگ

چهارشنبه ۱۳۹۹ مرداد ۱۳ شماره ۵۷۱۲



۱۱

جام جم



یادداشت:
سیدکریم محمدی
فعال فرهنگی و اجتماعی

محصول شجاعتی نجیبانه

اول ذی الحجه، سالروز ازدواج
حضرت فاطمه (س) و مولای
متقیان (ع) است

زهر، نور مطلق است و پاره تن و نور چشم پدر، خود، پیام آور ملکوت، نیکی، عفاف و تقواست. عالی‌ترین صفات خدایی در او تجلی یافته است. او تاریخ را درنور دیده، زنان رنج‌کشیده را عزت بخشیده و با موعظه‌هایش آنان را از پس دهلیرزهای تاریک و پستوها بیرون کشیده تا بر سر جهالت فریاد بزنند. فاطمه، خمودگی و تحجر را از ذهن‌ها راند و خروش و تحرک در راه حق را با انقلاب فکشد به مردم آموخت.

او گوهر یکدانه و دردانه بی‌بدیل پیامبر و سرمشق زندگی زنان عالم با نیکی و عفت و تقوا و مبارزه با ظلم شد. زهر همان است که زن با او معنا می‌شود. او بهترین ارمغان از رحمت بیکران خداوندی است؛ فاطمه‌ای که در احقاق حق، قاتمش نمی‌لرزد و با مصائب مبارزه می‌کند... فاطمه‌ای که خانه خیرش، سفره کوچکش، حلمش، کلامش، حیایش و حیاتش کوثر زاینده زندگی است. همین هم بود که بر اساس نظریه اخلاقی هر چه لایق»، بی‌نظیرترین، جوانمردترین مرد راه بهمسری برمی‌گزیند.

لحظه‌ها، لحظه‌های غروب بود و روشنی کم‌کم داشت به پایان می‌رسید؛ لایق‌ترین فرد برای ازدواج با فاطمه، علی (ع) عازم کوی یار بود. به در خانه رسید. پیامبر فرمود: «محبوب‌ترین فرد نزد خداوند به خواستگاری محبوبه خداوند آمده است». علی خواسته‌اش را در کمال حجب و حیا و در کمال شجاعتی نجیبانه بر زبان راند. پیامبر فرمود: «به خدا لایق‌ترین فرد برای فاطمه تو هستی. هزینه عروسی چه آوردی؟» علی پاسخ داد: «از مال دنیا یک شتر، یک شمشیر و یک زره دارم». پیامبر فرمود: «شتر و شمشیر در مبارزه لازم است. زرهات را بفروش و هزینه عروسی فاطمه را ادا کن». علی این‌گونه کرد. صدای شادی و هلهله در سراسر شهر پیچید و عطر خوشبوی وصلت دو محبوب خداوند، مشام جهان را نوازش داد. مولود خانه وحی، با مولود کعبه در هم آمیختند و هم‌قدم، هم‌کلام و هم‌قسم در راه اعتلای کلمه توحید و مبارزه با ظلم، تلاش‌ها کردند بس سازنده و شکوهمند. تهاقم، هم‌گرایی و صبر این دو نور بهشتی که در تمامی عمر با هم در حرکت بودند، بهترین الگو برای جوانان امروز است. وجود بابرکت آنان، در رسیدن آدم‌ها به کمال، واسطه فیض است. ستارگان درخشان آسمان فضیلتند و به انسان‌ها بازیابی مسیر سعادت را می‌آموزند.



به فارسی بخوانید

زندگانی فاطمه زهرا

- نویسنده: سیدجعفر شهیدی
- ناشر: معارف اسلامی
- مترجم: مهوش غلامی

ببینید

فیلم خواستگاری ۱۳۴۸

کارگردان: مهدی فخیم‌زاده



گفت‌وگو با قاسم آهنین جان، شاعری که با موتورش بین مردم الکل و ماسک توزیع می‌کند

سکوت شاعر، ناجوانمردی است

و شهید شد. برای من، اخوان ثالث شاعر مهمی است چون مثل خیلی‌های دیگر، سکوت نکرد؛ پذیرفت که به ایران حمله شده و بیگانه قصد خاک ما را کرده و جوانان ما را شهید می‌کنند. اخوان به شور آمد و انصافا شعرهای بسیار خوبی نوشت در دفاع از مملکت تو نشستند... مدافعان سلامت. رسالت ما توسعه فرهنگ عشق ورزیدن و خدمت داوطلبانه،

در شهر اهواز آن‌گونه که من به عنوان شهروندی مشاهده می‌کنم، اغلب مردم رعایت می‌کنند. اغلب ماسک بر چهره دارند. مغازه‌ها نقاط ایستادن مشتری‌ها را برای حفظ فاصله اجتماعی روی زمین مشخص کرده‌اند. متأسفانه برگزاری مراسم عروسی و عزاداری که به گسترش دوباره ویروس در اینجا دامن زد. اما کفشم از سیل حتی خیس نشود؟ یعنی چه؟ شعر هنر متعدد و رسالت شاعر و اینها نمی‌دهم. مگر نه این‌که ما ساعدی و فردوسی را قبول داریم؟ خب اینها که می‌گویند تو تکر محنت دیگران بی‌غمی/ نشاید که نامت نهد آدمی». من با اجازه دخل و تصرفی کنم و بگویم: «تو تکر محنت دیگران بی‌غمی/ نشاید که نامت نهد شاعری». به خودم می‌گویم، با کسی کاری ندارم. من برای آرام کردن وجدان خودم چنین می‌کنم. هدف نهایی را می‌بینم. معتقد به تاثیرگذاری اتفاق هستم. تجزیه و تحلیل دیگران برایم مهم نیست. کدام ریا. این همه پرستار و پزشک از دست داده‌ایم.

حتی می‌خواستیم کمک بیشتری کنیم. اما داستان کرونا محدودیت‌هایی دارد. مثلا قانون اجازه نمی‌دهد بروم بیمارستان. من اعلام کردم کار هنری موثر را انجام می‌دهم؛ کلیپ ضبط کردیم و در آن خواهش کردم همدیگر را در نوروز نبینیم. مطالبی هم نوشتم. نوشتم کسی را که ماسک زنده تحقیر نکنیم. نباید چنین کنیم چون تاثیری ندارد. توهمین من او را جری‌تر می‌کند. از او تنها باید کرد. اوایل که آن خانم جوان پرستار فوت کرد، شعری برای جوانی دروغ‌شده او نوشتم. از من دعوت کردند به صدا و سیما رقص شعر را خواندم. آنجا اعلام کرده تخصصی در طب ندارم اما اگر اجازه بدهند می‌روم نظافت بیمارستان‌ها را انجام می‌دهم.

بهترین کاری که این روزها هم صنف‌های شما می‌توانند انجام بدهند، چیست؟

می‌شود به جای اظهار نظرهای صرف، هر روز یک ماسک تهیه کنند. حتی شده فقط یک ماسک و در مسیر به عابری که ماسک ندارد بدهند. او را تحقیر نکنند، بگویند شما شاید پادتان رفته ماسک‌تان را همراه بیاورید یا دارو خانه در مسیرتان نبوده. واقعه تلخی است. امیدوارم خداوند مهربان لطف کند به ما. این همه یافته‌های پزشکی تا این لحظه نتوانسته‌اند کار به خصوصی جز هشدار انجام بدهند. تنها مرجع‌مان خداست.

بله، کاملاً رایگان است. جالب‌تر این‌که حتی اگر کسی برای اعضای خانواده‌اش هم می‌خواهد، با خوشرویی به تعداد اعضا، اقلام را می‌دادند. کیفیت ماسک‌ها و الکل‌ها هم کاملاً استاندارد بود. روی بسته‌ها بچه‌ها نوشته بودند که: «چه عاشقان بی‌نشانی که پای درد تو نشستند... مدافعان سلامت. رسالت ما توسعه فرهنگ عشق ورزیدن و خدمت داوطلبانه،

در شهر اهواز آن‌گونه که من به عنوان شهروندی مشاهده می‌کنم، اغلب مردم رعایت می‌کنند. اغلب ماسک بر چهره دارند. مغازه‌ها نقاط ایستادن مشتری‌ها را برای حفظ فاصله اجتماعی روی زمین مشخص کرده‌اند. متأسفانه برگزاری مراسم عروسی و عزاداری که به گسترش دوباره ویروس در اینجا دامن زد. اما کفشم از سیل حتی خیس نشود؟ یعنی چه؟ شعر هنر متعدد و رسالت شاعر و اینها نمی‌دهم. مگر نه این‌که ما ساعدی و فردوسی را قبول داریم؟ خب اینها که می‌گویند تو تکر محنت دیگران بی‌غمی/ نشاید که نامت نهد آدمی». من با اجازه دخل و تصرفی کنم و بگویم: «تو تکر محنت دیگران بی‌غمی/ نشاید که نامت نهد شاعری». به خودم می‌گویم، با کسی کاری ندارم. من برای آرام کردن وجدان خودم چنین می‌کنم. هدف نهایی را می‌بینم. معتقد به تاثیرگذاری اتفاق هستم. تجزیه و تحلیل دیگران برایم مهم نیست. کدام ریا. این همه پرستار و پزشک از دست داده‌ایم.

حتی می‌خواستیم کمک بیشتری کنیم. اما داستان کرونا محدودیت‌هایی دارد. مثلا قانون اجازه نمی‌دهد بروم بیمارستان. من اعلام کردم کار هنری موثر را انجام می‌دهم؛ کلیپ ضبط کردیم و در آن خواهش کردم همدیگر را در نوروز نبینیم. مطالبی هم نوشتم. نوشتم کسی را که ماسک زنده تحقیر نکنیم. نباید چنین کنیم چون تاثیری ندارد. توهمین من او را جری‌تر می‌کند. از او تنها باید کرد. اوایل که آن خانم جوان پرستار فوت کرد، شعری برای جوانی دروغ‌شده او نوشتم. از من دعوت کردند به صدا و سیما رقص شعر را خواندم. آنجا اعلام کرده تخصصی در طب ندارم اما اگر اجازه بدهند می‌روم نظافت بیمارستان‌ها را انجام می‌دهم.

بهترین کاری که این روزها هم صنف‌های شما می‌توانند انجام بدهند، چیست؟



ارنست همینگوی



گیوم آپولینر

قاسم آهنین جان را به چهار دهه شاعری‌اش می‌شناسیم؛ چهار دهه‌ای که باعث شد یک بار به خاطر آن، جلوی دوربین، عنان اشک‌هایش را از کف بدهد و بگوید این همه سال شاعری کرده است و حالا هیچ... اگر یادتان باشد، سیل بی‌امان فروردین سال گذشته به خانه آقای شاعر در اهواز زده و همه خانه و کتابخانه‌اش را ویران کرده بود و او در میان این ویرانه ایستاده بود و کتاب‌هایش را یکی یکی به دست می‌گرفت و افسوس می‌خورد و اشک می‌ریخت. آن روزها آن ویدئو بارها دست به دست شد و بسیاری از رسانه‌ها در داخل و خارج از کشور به آن پرداختند و این در حالی بود که او در آن وضعیت هم بیکار ننشسته بود؛ لباس هلال احمر به تن کرده و به کمک همشهری‌های سیل زده‌اش شتافته بود. روح بی‌قرار شاعر حالا هم گذاشته او در خانه تازه‌اش دست روی دست بگذارد و بیاساید. شیوع ویروس کرونا در خوزستان حتی پیش از شکل‌گیری موج دوم، بی‌امان ادامه داشته و حالا وضع بدتر هم شده است. باز، قاسم آهنین جان به خیابان رفته و این بار هم به داد مردم رسیده است. چند روز پیش بود که تصویری از او در حالی که ماسک روی صورت دارد و در حال توزیع مواد ضد عفونی‌کننده و ماسک بین مردم اهواز است منتشر شد. با او تماس گرفتم و درباره شرکتش در این ماجرا پرسیدیم. آهنین جان، یکی از نمادهای شاعرانه همدردی و یاری‌رسانی است؛ شاعری که سال‌های سال از مادر بیمارش در شرایطی سخت مراقبت کرد و نهایتاً با از دست دادن او، پشت خم نکرد و خودش را برای همشهری‌هایش حفظ کرد تا امروز در کنارشان باشد. تظاهرات تک‌نفره او همچنان ادامه دارد.

ماجرای این عکس چه بود؟ چطور شد به فعالیت توزیع الکل و ماسک پیوستید؟

من به اختتامیه جشنواره‌ای در اهواز دعوت شده بودم؛ جشنواره شعری بود که به صورت مجازی برگزار شد و در اختتامیه‌اش قرار بود بروم و یکی از کسانی باشم که جوایز را توزیع می‌کنند. از مراسم که بیرون آمدم، جوان‌هایی را دیدم که گان به تن دارند، ماسک و شیلد به صورت دارند و تعدادی کارت به دست گرفته‌اند. سمت من آمدند و سلام کردند. بچه‌های دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز بودند که بین مردم الکل و ماسک توزیع می‌کردند. من را می‌شناختند و لطف داشتند. چون همان روزهای ابتدایی شیوع ویروس کرونا از هنرمندان دعوت کرده بودند که به پویش «در خانه بمانیم» بپیوندند و در جلسه‌ای هم که برگزار کرده بودند تا درباره چگونگی دعوت مردم به خانه ماندن حرف بزنند، من هم

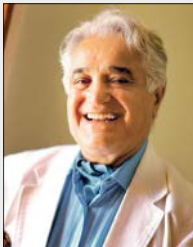
توزیع به صورت رایگان انجام می‌شود؟

جنگ؛ از گیوم آپولینر تا همینگوی

سوالی که درباره اظهار نظر مبنی بر ریای همدردی می‌پرسم، حساسی عصبانی‌اش می‌کند. پاسخ‌هایش به این سوال را در خلال گفت‌وگو خواندید. این را هم بخوانید که در ذکر مثال‌ها جز عطار نیشابوری و فردوسی و سعدی، او به یک شاعر و یک داستان‌نویس فرانسوی و آمریکایی اشاره می‌کند: «نویسنده‌ها و شاعران بزرگی در جهان، مدت‌های مدیدی را در جبهه‌های جنگ سپری کردند و حتی شهید شدند. گیوم آپولینر شاعر در جنگ کشته شد؛ گلوله از کلاهش رد شد و استخوان مغزش را شکافت. ارنست همینگوی هم سال‌ها در جبهه بی‌سیم‌چی بود و خطر مرگ همیشه بیخ گوشش بود. نمی‌دانم حالا چرا می‌گویند شاعر باید گوشه‌ای بنشیند و فقط نق بزند».



آهنگساز پیکان



اول مرداد روز تولد انوشیروان
روحانی، آهنگساز است

در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ با رواج تدریجی برگزاری جشن تولد در ایران، در این مهمانی‌ها بیشتر از آهنگ مشهور انگلیسی Birthday to you استفاده می‌شد و برخی آن را با ریتم شش و هشت که به گوش ایرانیان بیشتر آشناست و شعر فارسی اجرا می‌کردند. این آهنگ معروف‌ترین آهنگ تولد در جهان است. کتاب رکوردهای گینس در سال ۱۹۹۸ آن را شاخص‌ترین آهنگ به زبان انگلیسی اعلام کرد. گفته می‌شود ترانه این آهنگ به بیش از ۱۸ زبان ترجمه و اجرا می‌شود.

اواخر سال ۱۳۴۸ شرکت ایران ناسیونال تصمیم گرفت به مناسبت چهارمین سال شروع تولید خودروی پیکان یک فیلم مستند، تبلیغاتی تولید کند.

از انوشیروان روحانی خواسته شد آهنگی برای این مستند بسازد. جالب است بدانید مبلغ ۵۰ هزار تومان دستمزد برای ساخت این قطعه اختصاص داده شد. این در حالی است که قیمت پیکان نور آن سال‌ها حدود ۱۸ هزار تومان بود! این آهنگ همان آهنگ معروف (تولد تولد تولد مبارک) است که ترانه آن را پرویز خطیبی و نوذر پرنگ سروده‌اند. طبق گفته روحانی، بیت اول ترانه یعنی لب‌ت شاد و دلت خوش، چو گل پرخنده باشی توسط پرویز خطیبی و بیت بیا شمع هارو فوت کن، که صد سال زنده باشی توسط نوذر پرنگ سروده شد.

کامران شیردل فیلم تبلیغاتی تولدت مبارک را ساخت و ۴۰۰ کپی از این فیلم سه دقیقه‌ای تکثیر و در برنامه نوروزی سیماهای سراسر ایران قبل از فیلم اصلی پخش شد و استقبال زیادی از آن به عمل آمد. آهنگ تولدت مبارک به سرعت همه‌گیر شد و صفحه‌های ۴۵ دور آن در تعداد وسیعی به فروش رسید.

انوشیروان روحانی درباره فروش این صفحات موسیقی گفت: طراحی جلد صفحه توسط نصر... روحانی، عمو می اجرا شده بود و خود همزمان به ژاپن رفته و به شرکت سان کیوسیکی در ژاپن سفارش ساخت جعبه جواهرات، اسباب‌بازی و وسایلی را دادم که هنگام استفاده از آنها آهنگ تولدت مبارک پخش می‌شد. این کار به فراگیری آهنگ کمک زیادی کرد.

سال ۱۳۴۹ و در مراسم جشن تولد پیکان، هنگامی که این ترانه خوانده می‌شد، پیکان ۴۹ میان کیک بزرگ ظاهر شد.